



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۱۰/۳۱

فضل الرحمن فاضل

سفیران افغانستان در مصر

قسمت ششم

خوانندگان گرانقدر پورتال افغان جرمن آنلاين! این نوشته جناب محترم فضل الرحمن فاضل در شکل یک کتاب تدوین شده است بناءً افغان جرمن آنلاين آنرا با همان فورمات در خدمت شما قرار می دهد. با حرمت



معرفی دوباره سیدجمال‌الدین افغانی در مصر

یکی از کارهای ماندگار مرحوم داوی که در اولین فرصت ورود به مصر به آن دست یازید، یادآوری از مُجدد و بیدارگر شرق سیدجمال‌الدین افغانی بود. او در نخستین دیدارش با جنرال محمد نجیب، از سید افغانی یادآوری کرد و سپس محفل شکوهندی به تاریخ 10 حمل 1332 هجری شمسی (15 رجب المرجب 1372 هـ ق) برابر با 30 مارچ 1953 م به مناسبت پنجاه و ششمین سال وفات سیدجمال‌الدین افغانی در قاهره، برگزار کرد. در این محفل، شخصیت‌های بزرگی نظیر سید محمدمین الحسینی مفتی اعظم فلسطین، عبدالرحمن عزام سابق سرمنشی عرب لیگ، عبد الخالق حسونه سابق وزیر خارجه مصر، سرمنشی عرب لیگ، عبد القادر مختار منشی عمومی جمعیت "الشبان المسلمین" (جوانان مسلمان) احمد فتحی العقاد سفیر مصر در کابل، احمد شوقی نماینده جنرال نجیب،

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

دکتر طه حسین، سید میسر طرازی، شیخ ابوالعزیز و دیگران شرکت ورزیده بودند. این گردهمایی در مطبوعات مصری بازتاب گسترده ای داشته است. بعد از پایان این جلسه، یک روز بعد، دبیر کل جمعیت «جوانان مسلمان» طی نامه‌ای به داوی چنین نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم
«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». «قرآن کریم»
جلالتمآب محترم عبدالهادی خان داوی سفیر کبیر افغانستان در مصر
السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، و بعد

کلمات بلیغ و قیمنداری که در احتفال یاد بود حکیم اسلام «سید جمال الدین افغانی» در شام 30 مارچ 1953 از طرف خطبای کرام در عمارت سفارت کبیر افغانستان ایراد شد، بسیاری از فضایل سید جمال الدین مرحوم را بر بلاد اسلامی و شرقی به صورت عمومی و بر مصر به صورت خصوصی ظاهر و عیان ساخت. نصایح و ارشادات و تعلیماتی را که آن مرحوم در پیرامون دین، و علم، و اخلاق، و سیاست و شئون اجتماعی بر عده‌ای از دسته‌مَنور و مُتَقِّف مصر تلقین فرموده بودند، ثمر صالح خویش را حسب مطلوب بار آورده و این دعوت مبارک تا امروز به حیث یک اثر جاویدانی در اذهان تمام مصری‌ها باقی مانده و این احساس را در ایشان خلق کرده است، که خود را به بلاد برادر خویش افغانستان که مولد و منبت این مصلح کبیر است، مدیون بدانند.

و بنا بر همین فضیلتی که به افغانستان به حیث یک دولت اسلامی قایل هستیم، ما مصری‌ها از بارگاه خداوند حق سبحانه و تعالی نیاز می‌نمائیم، که قدر و منزلت این مملکت اسلامی را مزید بر مزید بلندتر ساخته و سعادت و استواری را در تمام اطراف و نواحی آن برقرار نماید. و برای ما چقدر موجب تألم و تأثر شدید است، از این که می‌گویند «اختلافی» بین افغانستان و همسایه اسلامی آن دولت پاکستان موجود می‌باشد. این اختلافی که غالباً در اثر دسایس استعماری به میان آمده، و مستعمری به تولید آن در بین ملل اسلامی بر اساس تفرقه‌انگیزی شان دامن می‌زند و طبعاً از این اختلاف نامرغوب هم، جز همین اجنبی‌باغی، دیگری استفاده نمی‌برد.

بعضی از جراید در این هفته خبرهایی انتشار دادند مبنی بر این که فتنه داخلی در ایران اخیراً به نسبت نزاعی که بین اعلیحضرت شاه و دکتر مصدق رئیس‌الوزرا و آقای آیت الله کاشانی رئیس مجلس شوری و زعیم دینی آن موجود می‌باشد به وقوع پیوسته است، پلان و نقشه‌های آن به دست رجال انگلیسی و اعوان آن طرح شده است. و به فحواوی فرموده خدای کریم در کتاب عزیزش «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»، و به صفت یک فرد مصری که از زمانه‌های بعیدی به مسایل اسلامی اشتغال دارم، و توحید کلمه در بین تمام مسلمانان و ضم صفوف و رفع اختلافاتی که در بین آن‌ها موجود باشد، نصب العین اول من می‌باشد، افتخار دارم به این مناسبت محمود اقتراح آتی را به جلالتمآب شما عرضه دارم، تا لطف فرموده با رجال محترم حکومت افغانستان ارتباط گرفته، مفکوره تسویه اختلاف بین «افغانستان و پاکستان» را از طریق «حکام‌ها» طوری که در صدر اسلام جریان داشت، به ایشان عرضه نمایند. و این یک وسیله مشروعی است که به تایید قول حضرت باری (ج) «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» تا امروز هم به آن عمل می‌شود. و اگر این نظریه از طرف حکومت موقر تان مورد قبول و استحسان واقع شود، بهتر خواهد بود هیأت حکمیت از حضراتی که اسامی شان ذیلاً تذکار می‌یابد، تشکیل گردد:

- 1- استاد محمد امین الحسینی مفتی اعظم فلسطین
- 2- استاد محمد علی علویه سفیر سابق مصر در پاکستان
- 3- دکتر محمد صلاح الدین وزیر خارجه اسبق مصر
- 4- استاد عبدالرحمن عزام منشی سابق جامعه دول عربی
- 5- جنرال محمد صالح حرب رئیس مرکز عمومی جمعیت شبان المسلمین

ذوات پنجگانه فوق به جلالتمآب شما و هم به رجال حکومت پاکستان شهرت و معروفیت به سزایی داشته و راجع به احوال ملل اسلامی و احوال و ایجابات و علایق آن‌ها با دول دیگر و آن چه به غرض توثیق علایق محبت و تعادل بین تمام آن‌ها لازم و متحسن می‌باشد، معلومات زیادی دارند.

لازم می‌بینم اظهار نمایم که اگر موضوع حکمیت به نحوی که ذکر یافت از طرف زمامداران دولت افغانستان مورد پسند و قبول واقع می‌شود، خواهش می‌کنم لطفاً با این حضرات تماس حاصل نموده و با ایشان راجع به این موضوع مهم و خطیر اسلامی مذاکره و مفاهمه فرمایند، تا خود ایشان مطلب را به حکومت پاکستان عرضه داشته و اندازه استعداد آن را به قبول حکم و حکمیت به خود معلوم نمایند. و اگر حکومت پاکستان این را قبول کرد، هیأت تحکیم اجرائتی را که به غرض وصول به یک نتیجه مرضیه و قطعی لازم می‌بیند، آغاز خواهند کرد.

و نسبت به اهمیتی که من به این نظریه قایل هستم، خواهش می‌کنم آن را به حکومت موقر اسلامی تان عرضه نمایم. تا خدا بخواهد این تمنیاتی که مبنی بر خیر و مصلحتی است که هر مسلم علاقه مند به دین و ملت خویش خواستار آن می‌باشد تا جامعه عملی ببوید.

خواهش می‌کنم جلالتمآب احترامات فایقه را قبول فرمایند.

قاهره 1372 رجب - 31 مارچ 1952

ارادتمند عبدالقادر مختار منشی عمومی (دبیر کل)

جمعیت الشبان المسلمین (جوانان مسلمان)

مرحوم داوی در پهلوی اینکه این نامه را به وزارت خارجه کشور انعکاس می‌دهد و هیأت داوران پیشنهادی را به صورت مفصل معرفی می‌کند، برای تنویر مصریان، به ویژه دبیر کل انجمن جوانان مسلمان، در مورد مسایل اختلافی میان افغانستان و پاکستان، نامه‌ای به زبان عربی عنوانی عبدالقادر مختار، می‌نویسد که ترجمه کامل آن چنین است:

« بعد از القاب

مکتوب مؤرخه 16 رجب الخیر 1372 { هجری قمری } شما رسید برای عاطفه صادقانه و شعور نبیل شما عرض شکران می‌کنم. موجب مسرت است که احتفال مرحوم سید جمال الدین الافغانی سبب تقویه روابط مصر و افغانستان گردیده است، و وقتی که این احتفال را می‌گرفتیم، این حقیقت را هدف خویش قرار داده بودیم؛ ولی آنچه تأثیری در نفس شما این اقدام کرده است، آن را علاوه سبب سرور می‌شمارم، که عبارت از تقریب بین مملکتین افغانستان و پاکستان است، نیز بسیار تقدیر می‌کنم، آن چه مهربانی کرده تحریر داشتید که مصری‌ها در ذات سید جمال الدین و خدمات او، خود را مدیون ملت افغانستان می‌دانند و امیدوارم که در تاریخ روابط ملتین به شما ثابت شده باشد که افغانستان همان گونه احساسات محبت به مصر می‌پروراند که مصر در حق افغانستان.

اجازه بدهید که در باب اقتراح شما عاید به اقدام تفاهم بین افغانستان و پاکستان به شما خاطر نشان کنم که حکومت ما در این خصوص بارها با حسن نیت سعی کرده است و آن هم حتی از وقتی که پاکستان پا به عرصه وجود گذاشته است، چنانچه حوادث عدوان و حملات مکرر حربی پاکستان را به افغانان بی دفاع در پشتونستان و اعمال خونریزانه از بربادی و قتل و بمباری ها از طیاره ها، بر آن بیچارگان و بر خود افغانستان با حرکات مقابله بالمثل با هیچ نوعی از تجاوزات اقدام نکردیم و تنها با وسایل سیاسی و احتجاجات رسمیه و تقدیم یادداشت ها از تفصیل حوادث به حکومت دول معظمه و دیگر دولت‌هایی که مناسب دیده شده، اکتفا کرده ایم و اکثری از رجال کور دیپلوماتیک کابل به بعضی از مواقع حوادث رفته و خسارات را به چشم سر دیدند، که حکومت پاکستان بالاخره یکی از وزرای خود آقای «عبدالرب نشتر» را برای تقدیم معذرت به کابل فرستادند.

مرحوم محمدعلی جناح و لیاقت علی خان شهید وعده ها می‌دادند، که اختلافات مابینی را حل می‌کنیم، و هکذا رجال موجوده حکومت به واسطه سفیر خود وعده ها داده اند؛ ولی ما هنوز در انتظار این وعده‌ها هستیم.

اقتراحی را که شما تقدیم کرده اید، از طرف اکثر دول اسلامیه پیشنهاد شده است، و هکذا از دول اجنبیه مثل بریتانیه و اتازونی، و پاکستان همیشه در این باب از اغماض و ملاحظه کار گرفته اند، و هیچ رغبتی برای حل مسأله کجا، بلکه برای محض آغاز مذاکره نشان نداده اند؛ خواه به صورت مذاکره مستقیم و خواه غیر مستقیم.

اعلیحضرت پادشاه افغانستان یک بار عم محترم خود شاهولی‌خان را که از رجال برجسته مملکت ما هستند و در غزای استقلال با انگلیزها جنگیده اند، برای حل مسایل به کراچی فرستادند و آن‌ها قریب یک سال در آنجا اقامت کردند؛ ولی پاکستان حاضر نشد که مذاکراتی در این خصوص بکند و والا حضرت مذکور آزرده از کراچی پس آمدند. کرت ثانی سفیر کبیر افغانستان در لندن مسأله را با «ارنست بوین¹» (وزیر خارجه آن وقت بریتانیه) مذاکره کردند و مذکور اشاره کردند که با پاکستان حرف زده شود، «ایکسلانس {جلالتمآب} فیض محمد خان» به کراچی رفتند، ولی حکومت پاکستان برای مذاکره حاضر نشدند. سوم دفعه اتازونی توسط سفرای خود در کابل و کراچی تجویز تفاهم کردند، حکومت پاکستان در اول امر، چنان نشان دادند که مذاکره آغاز خواهد شد و سفیر به کابل فرستادند و لکن هیچ مذاکرات لازمه آغاز نشد. و برای دفعه چهارم- صرف دوماه قبل- سفیر پاکستان در کابل گفت که بلی هیاتی که به کراچی می‌رود، ضرور با آن‌ها حرف زده خواهد شد، از طرف اعلیحضرت همایونی، والا حضرت محمد هاشم خان و جلالتمآب فیض محمد خان مقرر شدند و به کراچی رفتند؛ ولی حکومت کراچی حاضر نشد.

شک نیست که اگر این معلومات خدمت آن دوست گرامی، مفصل موجود می‌بود، این مراجعت را به پاکستان طبیعی‌تر می‌یافتید.

¹ Ernest Bevin (ارنست بوین) میان سال های 1945- 1951 وزیر خارجه بریتانیا بود.

آمدیم بر این که شما این خلاف بین دولتین را حواله به انتریک های برتانوی و تعمیل پالیسی مشهور «فرق و تسد» (Divide and Rule) نموده اید، این جانب خوب پوره نفهمیده که مقصد شما چیست؟

آن چه سبب اختلاف جدی بین افغانستان و پاکستان شده است، مهم آن ها سه چیز است: اول طرفداری افغانستان از ادعای آزادی طلبی که 7 میلیون افغان پشتونستان از بریتانیه می کردند، و بعد از تقسیم "برتش اندیا" و استقلال یافتن هند، و برما، و سیلون، دومینون شدن پاکستان.

عین همان اشخاص، عین همان حزب که با بریتانوی ها مجادله می کردند، همان ها امروز با پاکستان مجادله می کنند. این نهضت مبارکه وطنیه و ملیه است که در این عصر، "تقریر مصیر" {تعیین سرنوشت} خود را به دست خود می خواهند مثل نهضت های متوالیه که اندونیزیا، تونس، مراکش، الجزایر، سوریه، سودان، و خود مصر و غیره برای استقلال خود می کنند. چنان که امروز امیر فیصل ابن سعود در پاریس فرمودند: هر قوم حق دارد که تقریر مصیر خود را خودش تعیین کند، این ضرورت حیویه است که نمی توان از آن استغنا نمود. جمعیت "خدایی خدمتگار" که قبل از به وجود آمدن پاکستان با قوای بریتانیه پیکار می کرد و رئیس های نامدار و نهایت متقی و بیدار مغز آن مثل «خان عبدالغفار خان» و برادرش «داکتر خان» که یک وقت رئیس الوزرای پشتونستان بود، و قاضی عطاءالله خان و جناب حاجی میرزا علی خان و صد ها نفر دیگر عمر خود را در مجادله با استعمار برتانوی صرف کرده اند و بارها حبس فرنگ را کشیده اند، هزار ها نفرشان را عساکر انگلیزی با ماشیندار و توپ و طیاره شهید ساخته اند و مینار یادگار شهدای شان در شهرهای پشتونستان هنوز ایستاده است. خدمات این رؤسای احرار خصوصاً خان عبدالغفار خان برای تحریر هند از چنگ برتانیه از خدمات مرحوم محمدعلی جناح، گاندی، و جواهر لال نهرو، کمتر نیست کمأ یا کیفأ. تاریخ این تحریک مبارک را مطالعه فرمودن توصیه می کنم.

امروز هزاران نفر از پشتونستان محکوم به پشتونستان آزاد و افغانستان هجرت کرده اند (گویا همچنان که جراید در حق مهاجرت ها از شرق آلمان به آلمان غربی می نویسند).

شک نیست که جاسوسان برتانوی از این موقع آرزوی استفاده را داشته باشند و بخواهند خلیج بین افغانستان و پاکستان را فراختر کنند که هیچ پل بستن بر آن ممکن نشود، ولی هر قدری عاید به دولت متبوعه خود می دانم، چنانچه بیشتر نوشتنم، حکومت متبوعه اینجانب، کمال احتیاط را در این مورد به خرج می دهند، برای همین که می دانند هنوز هزارها جاسوس که زیر دست انگلیزها در شعبه های جاسوسی برتش اندیا تربیه و پخته شده بودند، در پاکستان موظف رسمی هستند و چنان مشهور است که پیلوت طیاره پاکستانی که در افغانستان بومب انداخت، یکی از آن ها بود و در دیگر حصه های دنیا هم مشغول به هم اندازی بین مسلمانان خواهند بود.

متأسفانه جراید مصر دلچسپی به این حالات بین مسایل مملکتین نمی گیرند. هیأت های صحفی {خبرنگاران} شما زیر کنترل هایی در پاکستان می باشند که حقایق را نمی بینند. من تجویز می کنم که شما دو سه نفر صحفی {روزنامه نگار} حقگوی و خیراندیش را که زیر دام نیایند و وجدان و ضمیر خود را حفظ کرده بتوانند، در مرکز پشتونستان (یعنی پشاور) 9 ماه یا یکسال نگاه کنید که در آن جا بپایند با وجود مساعی حکومت آنجا و قانون های مستبدانه آن سرزمین بی آئین بازم بر اسرار مطلع خواهند شد، آن وقت اوشان را موقع بدهید که در مصر آمده و مشهودات خود را بیان کنند. شما خواهید دید که این حرکت نهضت ملیه است و نهضت های ملیه را نمی توان تحریک اجانب گفت.

دوم: بریتانیه با قوت سرنیزه همیشه پیشرفت در خاک های افغانستان داشت که آن را "فارورد پالیسی" می نامیدند. در نتیجه این پالیسی در سنه 1893 میلادی حکومت آن وقته افغانستان را به تهدید حرب یعنی زور سر نیزه مجبور به امضای معاهده نمود که آن معاهده (خط دیورند) را که تا تقسیم شدن هندوستان حدود رسمیه بین افغانستان و بریتانیه شمرده می شد، تحدید و تعیین می کرد. افغانستان قلباً و قبایل آزاد سرحد این معاهده را قطعاً قبول نداشتند و نشناختند و آن را گاهی احترام نکردند.

بعد از رفع شدن تسلط برتانوی از برتش اندیا و استقلال آن، افغانستان "شعباً و حکومتاً" {ملت و حکومت} این معاهده را لغو اعلان کرد (1368) {هجری قمری} زیرا از امضا کنندگان و منعقد سازندگان معاهده یک طرف که آن هم برتانیه و طرف دیگر مجبر بود آن را رد کرد و در مقابل این اعلان نواب افغانستان آن را رد کرد، نایب وزیر امور خارجه برتانیه اعلان کرد "خط دیورند" سرحد بین المللی است و ما آن را تا آخر حمایه خواهیم کرد و پاکستان نیز گفت ما وارث برتانیه هستیم و لهذا غیر از همان حدود، حدود دیگری را نمی شناسیم. پارلمان افغانستان معاهده 1893 و 1921 هر دو را لغو اعلان کرد؛ ولی پاکستان هنوز این قضیه را مذاکره کردن نمی خواهد. آیا این آرزو، آرزوی انگلیسی شده می تواند، آیا انتریک انگلیس ها این چنین چیز را تقویه کرده می تواند.

مسأله سوم: مشکلات اقتصادی و نقلیاتی است که حکومت پاکستان بر علیه تبعه و مال التجاره صادراتی و وارداتی و ترانزیتی افغانستان وقتاً فوقتاً عاید می کند، و چون یگانه راه تجارت ما پاکستان است، پس مطالبه صلح آمیز رفع مشکلات اقتصادی چطور تحریک انگلیز شده می تواند.

افغانستان از ملت نجیب و مسلمان پاکستان هیچ شکایتی ندارد و راه را دین حنیف اسلام و تاریخ پرشکوه بین طرفین اداره می کند. تنها از حکومت موجوده پاکستان به تنگ آمده است و مجبور است که اگر پاکستان سر

همراهی و راست روی را نگیرد، دست به هر گونه وسایل مقتضیه بزند. و البته شما شنیده اید از مظاهراتی که خود ملت پاکستان علیه اولیای امور موجوده خود می‌کنند. به جهت آن که نقطه نظر افغانستان در مصر خوب تعمیم نشده است، این مجمل را خدمت شما نوشتن لازم دیدم. اینجانب مکتوب شما را عیناً به وزارت امور خارجه خود می‌فرستم، و از نیت نیک و دلسوزی که شما نسبت به مسایل متنازعه فیها اظهار کرده اید، باز شکران صمیمی تقدیم می‌نمایم. «

بقیه دارد

داوی و شخصیت‌های مشهور جهان اسلام